



درباره انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری

هم میهنان آزادیخواه

انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۸ خرداد ماه جاری برگزار می شود. در این انتخابات همچون دیگر انتخابات ۲۲ سال گذشته حکومت، تنها کاندیداهای مورد تأیید شورای نگهبان در صحنه رقابت هستند.

این انتخابات در شرائطی آغاز می شود که سرکوب آزادی ها که از یک سال گذشته تشدید شده، همچنان ادامه دارد. از انتخابات مجلس در سال گذشته تاکنون دهها روزنامه توقیف شده است، بسیاری از روزنامه نگاران و نویسندگان دستگیر و روانه زندان شده اند، تظاهرات کارگران و زحمتکشان سرکوب شده و این روند ادامه دارد. نیروهای مخالف حکومت، دگراندیش و اپوزیسیون سرکوب شده و امکانی برای کاندیدا شدن و طرح برنامه های خود را ندارند. شدت سرکوب به حدی است که حتی منتقدین درون رژیم هم امروز در گوشه زندان ها جاگرفته اند.

در چنین فضای مختنقی هر دو جناح، مردم را به شرکت گسترده در انتخابات دعوت می کنند. هر دو جناح قبل از هر چیز برای اثبات مشروعیت خود به حضور گسترده مردم در پای صندوقهای رأی نیاز دارند. خامنه ای شرکت در انتخابات را یک تکلیف شرعی اعلام می کند. اصلاح طلبان از لزوم حضور گسترده مردم و رأی به خاتمی صحبت می کنند و برخی نیز این انتخاب را به نوعی رفراندوم برای تأیید اصلاحات تعبیر می کنند.

پس از بیست و دو سال حکومت اسلامی بر ایران، جامعه ما گریبانگیر بحران بیسابقه اجتماعی - اقتصادی است. بحرانی که این رژیم خود مسبب و تشدید کننده آن است. وعده ها و عوامفریبی های رژیم نیز دیگر کارساز نیست. مردم خواهان تغییرند و این را چهار سال قبل با حضور گسترده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ بیان کردند. در این چهار سال اصلاح طلبان و خاتمی که با استفاده از رأی مردم به چنین قدرتی دست یافتند، فرصتهای زیادی داشتند تا در جهت حل مشکلات آنها گام بردارند. اما نخواستن و نتوانستن دست به دست هم داد تا امروز پس از چهار سال، کارنامه خاتمی چنان ناچیز باشد که خود و تمام اصلاح طلبان از ارائه آن به مردم واهمه داشته و پرهیز کنند.

خاتمی نتوانست در این مدت در راه تحقق شعارهای انتخاباتی خود چون توسعه سیاسی و گسترش آزادی ها گامی بردارد. خاتمی ریاست جمهوری خود را با شعار "حکومت قانون" آغاز کرد و با مخالفت با هرگونه تغییر در قانونی پایان داد که بنیاد آن بر استبداد مذهبی نهاده شده و بی جهت نیست که این "قانونگرائی" بیش از آنکه بتواند در خدمت تامین آزادی های اجتماعی - سیاسی و مدنی مردم باشد، وسیله ای گردید در دست جناح خامنه ای برای به بند کشیدن مخالفین و منتقدین آن و تداوم خودسری و بی قانونی در کشور. خاتمی با شعار آزادی و توسعه سیاسی به میدان آمد و شور و شوق بسیاری را برانگیخت ولی حتی نتوانست نزدیکترین یاران خود را از دستگیری و زندان حفظ کند. دولت خاتمی در طول چهار سال حکومت برای بهبود شرائط زندگی مردم و برای دفاع از آزادی های فردی و اجتماعی مردم حداقل اقدام ممکن را نکرد. سیاست های اقتصادی خاتمی ادامه همان سیاست های دولت رفسنجانی بود. سیاست هائی که با تاراج ثروت های ملی توسط سردمداران حکومتی و شرکاء سرمایه دار آنها به قیمت فقر و درماندگی بیشتر مردم پیش رفت، که شکست آنها در همان دوره رفسنجانی آشکار شد.



هم میهنان گرامی

اصلاح طلبان از بحث درباره کارنامه خاتمی پرهیز می‌کنند و در نهایت با تحلیلهای کلی و زیر شعار "با رأی به خاتمی به اصلاحات رای دهیم" از پاسخ به سئوالات مردم درباره عملکرد خاتمی و شیوه کار وی در چهار سال آینده طفره می‌روند. آنها به مردم می‌گویند که هر رای به خاتمی یک رای منفی به جناح خامنه ای است. در حالی که سال ها است که مردم به جناح خامنه ای "نه" گفته اند. در سه انتخابات گذشته مردم با رای خود نشان داده اند که جناح خامنه ای کوچکترین اعتباری برای آنها ندارد ولی در نهایت رای آنها تغییری در وضعیت ایجاد نکرده است. اصلاح طلبان نمی‌گویند که این بار چگونه رای مردم می‌تواند تغییری در وضعیت سیاسی جامعه و اداره آن داشته باشد. اصلاح طلبان و شخص خاتمی برنامه ای برای چهار سال آینده ندارند. رای مردم برای اصلاح طلبان تنها ابزاری است برای چانه زنی در حکومت.

مردم ایران

این انتخابات بدون حضور نمایندگان واقعی مردم، با شرکت ده تن از برگزیدگان شورای نگهبان برگزار خواهد شد که هیچ یک برنامه ای برای خروج جامعه از بحران کنونی ارائه نکرده اند. هر جناح خواهد کوشید تا از نحوه حضور مردم پای صندوق های رای به نفع خود بهره برداری تبلیغی کند. هر دو جناح ناتوانی خود را در تحقق خواسته های شما به نمایش گذاشته اند. یک سوی این جمع نه نفر از کسانی هستند که ضدیت خود را با خواسته های مردم نشان داده اند و خود بهتر از هر کس می‌دانند که رایی ندارند. و سوی دیگر خاتمی است که کارنامه چهارساله اش بیانگر عدم کارآئی او است. شرکت در این انتخابات فراندومی برای آزادی، دموکراسی و اصلاحات نیست. امروز شرکت در انتخابات و رای به خاتمی، در بهترین حالت رای به ادامه وضع موجود و امید واهی بستن به وعده های خاتمی برای چهار سال دیگر است، ضمن آن که ادامه همین وضعیت تشدیدبحران و عقب ماندگی بیشتر جامعه را به دنبال دارد. هم از این رو است که در این انتخابات نباید شرکت کرد. ما از مردم ایران می‌خواهیم تا از شرکت در انتخابات خودداری کنند و اجازه ندهند تا کسانی که توان پاسخگوئی به خواسته های مردم را ندارند با اتکاء به آرای آنها در مسند قدرت نشینند.

مبارزه برای تحقق خواسته های مردم ادامه خواهد یافت. مردم خواستار آزادی هستند؛ آزادی بیان و اندیشه، آزادی احزاب و آزادی مطبوعات. خواستار بهبود شرائط زندگی و معیشتی خود هستند، تامین کار، بهداشت، مسکن و هستند. زنان ما خواستار آزادی و برابری و تحقق حقوق پایمال شده شان اند. جوانان ما خواهان آینده ای با چشم اندازهای روشن هستند. خلقهای سرزمین ایران می‌خواهند تادر چارچوب جامعه ای دموکراتیک، آزادانه زندگی کنند. استقرار آزادی و عدالت تنها با تشکلهای مستقل و مبارزه گسترده مردم برای خواسته های شان و با برچیده شدن بساط جمهوری اسلامی عملی می‌گردد.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۴ خرداد ۱۳۸۰

۲۵ مه ۲۰۰۱